

ان شب

شدی و آن مسجد را امیر مصلح گفتندی در بیان آنچه از تجربه
تا وفات ظاهر شده است و آن دو قسم است
دلیل و شواهدی که اوقات ظهور آن در کتب
آهاده اند متعین بود **در اول قسمت** که چون رسول صلی الله
علیه و سلم هجرت از مکه بسوی مدینه مامور شد و آن سال چهارم
بود از بعثت آن شب که از مکه بیرون می آمد کفار قریش قصد
آن داشتند که چون در خواب شود بجان او می در آیند و در آن شب
چون وقت صبح شد همه نوم آید و بر در خانه وی صلی الله علیه و سلم
منظومی بودند تا در خواب شود آن شب اول شوره پسین مارتند
رسول صلی الله علیه و سلم مشت خاک گرفت و بیرون آمد و آیت
و جملها من بین ایدیم سدا و من خلفهم سدا ابرایشان جو اند و خاک
بر سر چشم آن خاکساران افشانند و از میان ایشان چنان بیرون
آمد که بکس آنکه گفت شخصی از دیده بود ایشان گفت خدا تعالی
شمار را نوسید کرد اسید محمد را اندیدید و آنچه با شما کردین
همه بخواستند و خاک از سر و روی خود می افشانند

که بعد از آن

۱۲
رسول صلی الله علیه و سلم در آن شب
مستور شد با خود و رسول صلی الله علیه و سلم

که چون رسول صلی الله علیه و سلم با ابوبکر رضی الله عنه بدری عاری که
در جبل ثور بود رسیدند ابوبکر گفت یا رسول الله من شتر در این
ناز از کنده می نرسد چون غار در اندر شوره ای که میدید آنکس
در آن میگرداند تا شوره ای بزرگ رسید پای خود در آنجا که تابان
وی رسید پس با بی بیرون آورد و بر و ایستی بر امانی خود را باره
میکرد و در هر شوره ای پانچ استوار میکرد تا بر این وی تمام شد
و یک شوره ای ماند پای خود در آن جا نهاد و بیدار شد بر آن
مارگزید پس گفت یا رسول الله در ای که از برای تو جای است
کرده ام رسول صلی الله علیه و سلم در آمد و با ستر رحمت مشغول شد
اما ابوبکر رضی الله عنه از زخم مار و درد آن بر تن ابوبکر رضی الله عنه
دید گفت این چیست ای ابوبکر گفت مارگزیده است یا رسول الله
که چرا مرا این بگردی گفت کجاست که خواب را بر تو بشورم رسول صلی
الله علیه و سلم در سبت مبارک بر تن ابوبکر رضی الله عنه مالید در
رفت و در آن فرو نشینست **در دوم قسمت** که چون رسول صلی
الله علیه و سلم با ابوبکر در آن غار گرفت همچنان شب بر در آن غار در